

بانک جامع اطلاعاتی

صهیونیسم

اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود... امام خمینی (ره)

Z I O N I S M . B L O G . I R

نقش صهیونیسم در یهود ستیزی

برگرفته از خبرگزاری قدس

اشاره: یکی از مسائل مطرح در مورد جنبش صهیونیست ها جدا کردن آنها از یهودیان است. نویسنده در این مقاله تلاش کرده تا مفهوم صهیونیسم و صهیونیسم سیاسی را تبیین نماید و با آوردن شواهد مختلف نقش صهیونیست ها را در یهودستیزی با هدف وادار نمودن آنان به مهاجرت به اراضی اشغالی فلسطین مورد ارزیابی قرار دهد.

صهیونیسم سیاسی

از دیدگاه صهیونیسم سیاسی « یهودیان » قبل از هر چیز ؛

1- یک قوم هستند

2- یهودیان در همه وقت و همه جا تحت آزار و ظلم بوده اند

3- غیرقابل ادغام در ملت‌هایی هستند که در بین آنها زندگی می کنند.

هرتزل - پایه گذار صهیونیسم سیاسی - برای هر یک از اصول بالا راه حل‌های عملی در نظر داشت که به قرار زیر بود .

1- نفی و رد ادغام یهودیان در ملت‌های دیگر

2- ایجاد یک دولت یهودی که تمام یهودیان جهان در آن مجتمع خواهند شد .

3- این دولت بایستی در یک محل خالی و بی مدعی مستقر شود .

هرتزل برای استقرار این دولت به کشورهای نظیر آرژانتین اوگاندا قبرس موزامبیک می اندیشید. اما چون با مخالفت افراد زیادی روبرو

شد به پیشنهاد دوستانش فلسطین را که می توانست در تجهیز یهودیان موثرتر باشد برگزید. وی یک دیپلمات واقع بین بود که از

پیشنهاد دوستانش استقبال کرد .

صهیونیسم و ضدیهودها

صهیونیسم و طرفداران آن که داعیه حمایت از ملت یهود را دارند از ابتدا پیوندی ناگسستنی با سرکوب کنندگان ظاهری یهودیان در

طول تاریخ و حتی هیتلر داشته اند. هدف اصلی صهیونیست ها نه نجات زندگی یهودیان بلکه ایجاد یک دولت صهیونیستی بر مبنای

اصول نژادپرستی بود. لذا برای رسیدن به این هدف از ابتدا دست همکاری به سوی « ضدیهودها » دراز کرد. فدراسیون صهیونیستی

آلمان در سال ۱۳۱۲ در یادداشتی خطاب به حزب نازی چنین می نویسد : « ... صهیونیسم امیدوار است که برای دست یابی به

هدفهای عملی خویش بتواند حتی با حکومتی که از بنیاد با یهودیان دشمن است همکاری کند .

هرتزل در خاطرات خود چنین می نویسد : « یهودستیزان مطمئن ترین دوستان ما و کشورهای یهودستیز هم پیمانان ما خواهند شد .

بعد از حادثه « کی شی نف » در فروردین ۱۲۸۲ هنگامی که صدها یهودی کشته و یا زخمی شدند هرتزل به روسیه رفت تا با « فون

پلوه » وزیر داخلی روسیه که عامل اجرای این برنامه بود معامله کند .

هرتزل به رهبرفرهنگی یهودی - زیتلوسکی - گفت : « من یک وعده کاملاً الزام آور از « پلوه » گرفتم که او امتیاز واگذاری فلسطین را

تا ظرف ۱۵ سال آینده به ما واگذار کند . البته یک شرط وجود دارد و آن اینکه انقلابیون یهودی مبارزه خود علیه روسیه را پایان دهند .

کتاب سرنوشت یهودیان می گوید: «هم زوباتو رئیس سازمان پلیس مخفی مسکو و هم صهیونیست ها خواهان از هم پاشیدن» باند یهودی «بودند. زوباتو به خاطر حفاظت از کشورش و صهیونیست ها برای حفظ منافع خود. صهیونیسم از «زوباتو» درخواست کرد که همه گونه اعمال ضدیهودی را انجام دهد تا برای یهودیان در همه جا مشکل ایجاد شود. موفقیت صهیونیسم وابسته به شاخص بیچارگی یهودیان بود و هر اندازه بیچارگی بیشتر می شد تمایل به مهاجرت نیز افزایش می یافت.

شاید تکان دهنده ترین مثال خوشحالی رهبران یهودیان آلمان و استقبال آنان از قدرت گرفتن هیتلر باشد چرا که آنها از اعتقاد او به برتری نژاد آریا و خصوصتش با یهودیان اطلاع داشتند. رهبران صهیونیستی در دوره هیتلر و موسولینی رفتار دوسویه ای را از خود نشان می دادند که نخست خرابکاری در نبرد ضدفاشیستی و سپس اقدام به همکاری با دشمنان (نازیها) بود.

گارودی در این باره می گوید: «رهبران صهیونیستی در حمایت از نازی ها نقض تحریمی که همه ضدفاشیست های دنیا در تلاش تحقق آن بودند را پیشنهاد می کردند. قرارداد برای هر دو طرف سودمند بود. نازی ها بدین ترتیب موفق می شدند که تحریم را بشکنند (صهیونیستها توانستند کالاهای آلمانی را حتی در انگلستان بفروشند) و صهیونیستها یک مهاجرت گزینشی را همان گونه که می خواستند عملی می کردند. این سیاست همکاری تا ۱۳۲۰ (طی ۸ سال بعد از رسیدن هیتلر به قدرت) به طول انجامید. و تنها میلیونرها (که سرمایه هایشان امکان توسعه استعمار صهیونیستی در فلسطین را فراهم می کرد) و شخصیت های ثروتمند تکنسین ها جوانان قادر به تقویت یک ارتش می توانستند مهاجرت کنند و یهودیان بی نوا یا ناتوان از کار یا جنگ قادر به مهاجرت نبودند چرا که باری به دوش صهیونیست ها بودند.

از سخنرانی های رهبران آلمان چنین نتیجه گرفته می شود که گروههای یهودی باید از اروپا تخلیه شوند. خاخام «ژاکوب آگوس» در تحقیق خود به نام «معنای تاریخ یهود» آورده است: صهیونیست های سیاسی در قاعده سازیهای مفرط خود با طغیان کنندگان ضدیهودی در موارد زیر موافقت داشته اند.

- 1- آزادی و رهاسازی یهودیان در اروپا یک اشتباه بوده است.
- 2- یهودیان در کشورهای اروپایی می توانند به عنوان یک قدرت نفاق افکن عمل کنند.
- 3- یهودیان سراسر جهان علیرغم تابعیتهای سیاسی گوناگون از یک قوم و گروه هستند.
- 4- تمام یهودیان برخلاف دیگر مردم اروپا منحصر به فرد و غیرقابل ادغام هستند.
- 5- یهودستیزی بیان طبیعی احساس قومیت کشورهای اروپایی است و از این رو ریشه کن شدنی نیست.

عملیات تروریستی صهیونیست ها علیه یهودیان

در آمریکای لاتین صهیونیست ها دست به خرابکاری زدند و یهودیان را در مزیقه قرار دادند. در «موتته ویدئو» یهودیان نافرمان اوروگوئه ای که در سال ۱۳۲۸ از پرداخت مالیات ۲ درصد از ثروت خود (که از طرف رهبران صهیونیسم به سود اسرائیل برداشته شده بود) خودداری کردند از ورود به کنیسه منع شدند و برای ازدواج فوت یا مراسم ختنه کردن دیگر نمی توانستند به خاخامی دست یابند. همین طرز رفتار در کشورهای آرژانتین برزیل و پرو نیز اعمال شد.

صهیونیست ها در ۱۳۱۹ چند ضد یهودی را که بدون کسب اجازه قبلی وارد فلسطین شده بودند سوار کشتی پاتریا کردند تا آنها را طبق بیانیه سیاسی ۱۳۱۸ انگلستان به موریتوس ببرند. آژانس یهود که خود ورود این مهاجران غیرقانونی به فلسطین را سازماندهی کرده بود تصمیم گرفت برای داغ کردن مسئله از نظر سیاسی در کشتی پاتریا خرابکاری کند. کشتی پاتریا در حال ترک بندر حیفا بود که منفجر شد و تعدادی از سرنشینان یهودی آن که همگی پناهنده بودند کشته شدند. هشت سال بعد نیز کشتی دیگری به وسیله

صهیونیست ها منفجر شد که یهودیان زیادی به سبب آن کشته شدند .

پس از اعلام تشکیل رژیم صهیونیستی در ۱۳۲۷ میان رهبران سازمان تروریستی و نظامی صهیونیست ها اختلاف در گرفت . این اختلاف بین بن گورین نخست وزیر رژیم صهیونیستی و مناخیم بگین فرمانده سازمان تروریستی ایرگون بود. این اختلافات و کشمکش بین رهبران صهیونیسم بر سر تقسیم اسلحه و مهمات کشتی آلتالن منجر به قربانی شدن تعدادی از یهودیان مهاجر این کشتی شد .

ضدیهودی گری

واژه « ضدیهودی گری » نمایانگر وجود نوعی انزجار و نفرت در طول تاریخ در جوامع مختلف علیه یهود می باشد. به نظر خود یهودیان علت این احساسات که از زمان آوارگی قوم یهود پس از فتح بیت المقدس به وسیله نبوکد نصر در سال ۵۸۷ (ق . م) آغاز شده یکی خودداری یهودیان از جذب و ادغام در بین ملل دیگر و دیگر مقاومت آنان در برابر مسیحیت و حفظ شعائر خود بوده است . تقی پور در کتاب « پس پرده هولوکاست » پاره ای از ویژگیهای یهودیان که باعث نوعی انزجار و تنفر در طول تاریخ نسبت به آنان شده است را چنین بیان می کند .

1- تظاهر و پنهان کاری آن چنانکه در میان اقوام و مذاهب مختلف خود را به آیین آنها می آراستند و در خفا بر آیین و آداب خود پایبند بودند. آنها در جوامع مسیحی با غسل تمهید و تغییر اسامی خود را کاملا در پوشش مسیحی ها قرار می دادند .

2- پول گرایی و ثروت اندوزی

3- شیوه های خاص یهودیان در روابط بازرگانی و انحصار فعالیتهای اقتصادی

4- کم فروشی و شگرد نرخ شکنی در بازار معاملات و تجارت .

همچنین وی از قول داستایوفسکی - نویسنده روسی - این نفرت را ناشی از اندیشه درون گروهی و درون سازمانی و مبتنی بر برتری طلبی و سروری جویی و خودبینی و غرور یهودیان نسبت به غیریهودیان می داند .

متهمان یهود ستیزی

امروزه « یهودستیز » به کسی گفته می شود که مخالف با سیاستها و منافع اسرائیل باشد .

افراد زیادی متهم به یهودستیزی شده اند : این افراد از سران و روسای کشورها حتی خود اسرائیل مقامات دینی یهودی دانشمندان نویسندگان خبرنگاران و شبکه های تلویزیونی می باشند که در اینجا به ذکر برخی از این موارد بسنده می کنیم .

«دروسی تامپسون» روزنامه نگار شناخته شده ای که از اولین دشمنان نازیسم بوده است سیاستهای اسرائیل را مورد انتقاد قرار داده است او علی رغم شجاعت هایی که در مبارزه با هیتلر از خود نشان داده است در معرض اتهام یهودستیزی قرار داشت . « یا بسیاری از روزنامه ها و شبکه های تلویزیونی نظیر نیویورک تایمز و واشنگتن پست و.. به خاطر گزارش اخبار جنگ لبنان و انتقاد از رفتار آمریکا به یهودستیزی متهم شده بودند . »

بوبر مارتین در تمام طول زندگی خود به عنوان مبارز ضدصهیونیست بوده است . او می نویسد : « ما نمی خواهیم از آنان (اعراب) خلع مالکیت کنیم بلکه می خواهیم با آنها زندگی کنیم » . چنین بیاناتی کافی بود که آقای بیگن و ماموران سرسپرده اش در سازمان صهیونیسم آقای بوبر را ضداسرائیل و یهودستیز قلمداد کنند. آن هم مارتین بوبر را که بزرگترین پیام آور دین یهودی است و از بدو تاسیس دولت اسرائیل در آن زندگی کرده است .

پروفسور فورسیون و بسیاری از دانشمندان و اساتید دانشگاه نیز متهم به یهودستیزی شده اند. فورسیون به خاطر نوشته ها و تحقیقاتی

که در خصوص اغراق آمیز بودن کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم انجام داده است از سمت دانشیاری دانشگاه لیون فرانسه اخراج شده و مورد ضرب و شتم نیز قرار گرفت .

«راها کوهن» - روشنفکر اسرائیلی و از مدافعان سرسخت هولوکاست - نیز که از سیاستهای دولت اسرائیل به رنج آمده و چنین می گوید: « هنگامی که سربازان اسرائیلی زن باردار فلسطینی را در مقر بازرسی متوقف می کنند و به او اجازه نمی دهند تا جایی که سرانجام مجبور به زایمان در بیابان برهوت می شود. تنها نتیجه ای که از این حادثه گرفته می شود این است که خبرنگار روزنامه هارآرتص فردی یهودستیز است چرا که این خبر را چاپ کرده است و یا هنگامی که مجمع عمومی سازمان ملل با اکثریت ۱۳۳ رای موافق در برابر ۴ رای مخالف تصمیم اسرائیل برای قتل رهبر منتخب فلسطینی ها را محکوم می کند عمل یهودستیزانه صورت گرفته است و همه آن کشورها از دید اسرائیل ضدیهود به شمار می روند. او اعتراف می کند که « اکنون دیگر هنگام آن رسیده است که با صدای بلند بگوییم هیچ گاه دوره ای چون دوره ما سراسر اقبال و خوشبختی برای قوم یهود نبوده است چرا که در این عصر شاهد کمترین اقدامات یهودستیزانه هستیم . »

لابی یهود

لابی قدرتمند یهود وابسته به صهیونیسم برای پیشبرد اهداف اسرائیل در کشورهای مختلف جهان سه وظیفه مهم برعهده دارد .

1- میرا ساختن خود (صهیونیسم و دولت اسرائیل) از هرگونه سرزنش انتقاد و سرکوب مخالفان به وسیله تصویب قانون در کشورهای مختلف .

فورسیون در این باره می گوید: « در فرانسه قدرت یهودیان حتی قوی تر از آمریکا هست و در این کشور ما لابی شماره یک داریم . هیچ کس جرات نمی کند علیه یهودیان سخنی بر زبان بیاورد آنها ادعای دروغین هولوکاست را دارند و با همین حربه مخالفان خود را سرکوب می کنند. قانون تنفر قانونی است که به درخواست سازمانهای یهودیان در فرانسه تصویب شده و هرگونه مخالفت با یهودیان را در قالب تحرکاتی نژادپرستانه قلمداد و تحت تعقیب قرار می دهد. حتی گروههای واقعا یهودستیز مجبورند ماهیت اصلی خود را انکار کنند زیرا به خوبی آگاهند که چنین طرز تفکری از لحاظ سیاسی به نفعشان نیست .

2- استفاده از هر پدیده به ظاهر کم اهمیت اجتماعی برای مظلوم نمایی

هرگونه اهانت زد و خورد و یا قتل که علیه یهودیان صورت گیرد هر چند که از روی یهود ستیزی هم نباشد از سوی لابی یهود بزرگ جلوه داده می شود و در مدت زمان کوتاهی موج اعتراض به یهودستیزی تمام کشور را فرا می گیرد. به عنوان مثال می توان به داستان ساختگی حمله به زن یهودی و کشیدن علامت صلیب شکسته بر بدن وی اشاره کرد .

لابی صهیونیستی برای اجرای اعمال خود همواره از ابزارهای رسانه ای سود جسته است . در عرصه رسانه ای قدرت لابی صهیونیستی به اندازه ای است که می تواند به دلخواه خود با افکار عمومی بازی کند. به عنوان نمونه می توان به کشور فرانسه اشاره کرد. « با اینکه جمعیت یهود در فرانسه حدود ۲٪ ملت فرانسه را تشکیل می دهد بر اکثریت تصمیم گیرندگان سیاسی در رسانه ها و تلویزیون و رادیو و مطبوعات سیطره دارد. هیچ نامزدی برای ریاست جمهوری فرانسه - به هر حزبی که وابسته باشد - نیست که برای دریافت تنفیذ رسانه ای از اسرائیل به این کشور سفر نکرده باشد .

3- کمک و حمایت از دولت اسرائیل در زمینه های سیاسی اقتصادی و نظامی

نفوذ این لابی به ویژه در عرصه دیپلماسی مشهود است . گارودی در این باره می گوید: « در درون آمریکا لابی صهیونیستی نیرومندی شکل گرفته است که بر حیات سیاسی آن سیطره دارد. استفاده آمریکا از حق وتوی خود در رد تقاضاهای سازمان ملل برای

مجازات اسرائیل که در قطعنامه های خود خواستار آن شده بود نمونه این نفوذ است . همچنین وی می فزاید : « نفوذ لابی صهیونیستی در عرصه های اقتصادی و نظامی نیز آشکار است . سودی که یک فرد اسرائیلی از کمک مالی می برد یکصد برابر بیشتر از کمکی است که به مردم کشورهای در حال توسعه می شود. لابی صهیونیستی همواره تلاش کرده است تا به جنگ افزارهای پیشرفته تر و پیچیده تر آمریکایی دست یابد .

فشار لابی صهیونیستی به حدی است که کاخ سفید نیز توان گریز از آنرا ندارد . « مجله نیوزویک روشن ساخت که در ۱۳۵۰ به هنگام درخواست اسرائیل رهبران با نفوذترین سازمانهای یهود ایالات متحده در واشنگتن گرد آمده بودند تا به اطلاع رئیس جمهور برسانند که در صورت عدم دریافت فانتوم های درخواست شده توسط اسرائیل نیکسون در معرض خطر از دست دادن آرا یهودیان و پشتیبانی انتخاباتی شان در سال ۱۳۵۱ قرار خواهند گرفت .

تنظیم: بانک جامع اطلاعاتی صهیونیسم

www.Zionism.blog.ir